

"بسمه تعالی"

نقش مساجد در تعالی اخلاق فردی و اجتماعی

م.براتی

مقدمه

شناخت سرآغاز رستگاری و مطمئن‌ترین راه هدایت انسان‌هاست. شناخت انسان را درمقابل انحراف‌ها آسیب‌ناپذیر می‌کند و ملاک برتری آن‌هاست. انسان کامل کسی است که به شناخت کامل رسیده باشد و حضور خدا را در همه‌جا و با همه‌ی وجود حس کرده باشد. انسان درمقام خلیفه در زمین و نگین آفرینش می‌تواند شایسته‌ی سجده‌ی فرشتگان آسمانی باشد. انسان همه‌ی صفت‌ها، خصوصیت‌ها، استعدادها و گرایش‌های روحی و روانی‌ای را دارد که لازمه‌ی خلقت اوست. انسان جلوه‌ای از محبت الهی است. او شخصیت و شالوده‌ی هستی را می‌ریزد. در این راستا، فعالیت‌های مسجد می‌تواند در حیطه‌ی آموزش مهارت‌های زندگی بسیار مهم باشد.

جامعه‌خانه‌ی معنوی

ارتباط صحیح و مناسب می‌تواند در هویت‌بخشی فرزندان و خانواده نقش اساسی داشته باشد. بزرگ‌دیدن کودکان، ایجاد رابطه‌ی عاطفی با آن‌ها، دلبسته‌کردن آن‌ها به خانه و خانواده، مصون‌سازی آن‌ها از آسیب‌های اجتماعی و یادآوری راه‌ورسم چگونه بودن رسالت بزرگی است که بر گردن ماست. انسان‌ها از آغاز خلقت یاد گرفته‌اند برای کار و فعالیت در دنیای بیرون تلاش کنند، به افکار و احساس‌های درونی‌شان کمتر توجه کنند و گاهی نیز حقوق خویش را فراموش می‌کنند که ما می‌توانیم در این زمینه یادآوران خوبی باشیم. کودک تدبیر را می‌آموزد تا آینده را درک کند و تحسین را می‌آموزد تا انگیزه‌ی زندگی را در دل دیگران ایجاد کند.

خداوند انسان را با صفات و ویژگی‌های شایسته‌ای آفریده است. چنانچه آن ویژگی‌ها شناخته شود و به‌کار گرفته شود، می‌تواند از انسان فردی ایده‌آل و کامل بسازد. این امر در گرو یادآوری مسائلی است که انسان فراموش کرده است. نخست، باید نیازهای انسان را شناخت، سپس به بهترین شکل در جهت حل آن تلاش کرد. انسان به دلیل ساختار خاص فیزیولوژیکی، همواره در نقش‌های متفاوتی که در زندگی اجتماعی،

خانوادگی، اقتصادی و... ایفا می‌کند، در رویای رسیدن به موفقیت است. برای اینکه ما انسان خوبی باشیم، نخست باید انسان خوب را بشناسیم، سپس راه ایجاد آن را فراهم کنیم و بعد از آن خوب بودن را تداوم بخشیم. هدایت دائمی، ارتقای حرفه‌ای و شناسایی جایگاه انسانی ایده‌آل مهم‌ترین وظیفه‌ی جامعه‌ای ایده‌آل است. این امر تحقق نمی‌یابد مگر با آموزش از طریق مساجد. مسجد با برنامه‌های متنوع و متناسب برای هر گروه سنی مهارت‌های زندگی و اخلاق فردی و اجتماعی را از دیدگاه دین مبین اسلام آموزش می‌دهد. برای ساختن جامعه‌ای آرمانی، نخست باید آموزش باکیفیت را جایگزین آموزش بی‌کیفیت کنیم. باید جامعه‌ای امن بسازیم تا وقتی فرد از خانه خارج می‌شود به خانه‌ای متعالی تر قدم بگذارد که او را به معنویت نزدیک می‌کند. در این راستا، آموزش مداوم شهروند و برگزاری همایش‌های آموزشی کمک بزرگی می‌کند.

عناصر پیشرفت جامعه

۱. اقتصاد

اگر جامعه هدف توسعه را ارج می‌نهد و قرار است همه‌ی امکانات، در راه دستیابی به هدف، بسیج شوند، باید نخست با ایجاد شرایط اقتصادی - اجتماعی مناسب افراد را به پیروی از الگوی رفتاری مناسب تشویق کند. بدین ترتیب، رفتار افراد جامعه می‌تواند حرکت به سمت توسعه را مرمت بخشد یا برعکس در این راه مانع ایجاد کند.

۲. تعلیم و تربیت

جامعه در تعلیم و تربیت افراد جایگاه ویژه‌ای دارد. جامعه کانونی است که افراد در آن در برابر تجربه‌های جدید قرار می‌گیرند. وجود افراد و گروه‌های جدید عرصه را برای کسب مهارت‌های اجتماعی فراهم می‌کند. ارتباط و دلبستگی به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم تأثیر زیادی روی علایق، نگرش‌ها، تفکرات، باورها و تمایلات ما دارد.

۳. اعتماد متقابل

تمایل و توجه به دیگران، با دیگران یکی شدن، احترام به عهد و پیمان و اعتماد متقابل مهم‌ترین سرمایه‌ی هر جامعه است. آنچه جامعه را از صورت آحاد بیرون می‌آورد و همچون رشته‌های زنجیر به هم پیوند می‌دهد

همین اصل اعتماد متقابل است که یشتوانه‌ی فعالیت‌های هماهنگ اجتماعی و همبستگی ملی در سطح وسیع است.

۴. عدالت

تبعیض‌ها روح عده‌ای را که محروم شده‌اند آزرده و کینه‌جو می‌کند و روح عده‌ای دیگر را که بی‌جهت عزیز بار آمده‌اند کم‌حوصله، زودرنج، بیکاره و اسراف‌کن می‌کند. میان طبقه‌ای حسد، کینه، انتقام، نفرت و دشمنی و میان طبقه‌ای دیگر کم‌حوصلگی به کار، استقامت‌نداشتن و اسراف‌کاری پیدا می‌شود. کینه‌هایی که در اثر تبعیض در اجرای قوانین در روح افراد پیدا می‌شود ممکن است به اعماق روحشان فرو رود و سبب پرورش ظالم شود.

تربیت لازم‌ه‌ی رشد فرهنگی

انسان‌ها دلی پاک و روحی پرشور دارند. آن‌ها نیازمند هدایت، حمایت و همدلی‌اند. انسان‌ها، به‌ویژه کودکان، نهال نورسیده‌ای هستند که برای رشد و بالندگی به باغبانی دلسوز و روشن‌بین نیاز دارند تا او را از آفت‌ها و حادثه‌ها در امان دارد. بهادادن به تربیت و آموزش انسان‌ها و پرورش انسان‌های پرهیزکار بی‌گمان یکی از نشانه‌های آشکار رشد فرهنگی جامعه است.

شاید گفته‌ی حکیمانه‌ی کانت، متفکر و فیلسوف نامی آلمانی، حق مطلب را در این زمینه ادا کرده است. او می‌گوید دو کار است که هیچ کار دیگری در دشواری به پای آن‌ها نمی‌رسد، مملکت‌داری و تربیت. تربیت انسان از این جهت کاری دشوار است که او موجودی پیچیده و عظیم است؛ پیچیدگی‌های روحی انسان به حدی است که نمی‌توان رفتار او را به‌سادگی تحت ضابطه‌ای مشخص درآورد و از آن آسوده‌خاطر شد. برتراند راسل، فیلسوف انگلیسی، که خود درباره‌ی تربیت کتاب‌هایی نگاشته است اعتراف می‌کند که گفتار من در این زمینه بهتر از کردارم بود. این‌ها نشان می‌دهد که نباید تربیت را کاری آسان پنداشت که به هیچ‌گونه آموزش و تخصصی نیاز ندارد.

مراحل تربیتی کودکان و نقش مسجد

فرزندان در دوران زندگی خود مرحله‌های مختلفی را طی می‌کنند و در هر مرحله نیازهای تربیتی ویژه‌ای دارند. بدون آشنایی با این مراحل تربیتی و کسب مهارت‌های لازم نمی‌توانیم فرزندانمان را تربیت کنیم. شاید برخی والدین گمان می‌کنند اگر موقعیت مادی و تحصیلی فرزندانمان را فراهم آورند، وظیفه‌ی خود را به‌خوبی

انجام داده‌اند؛ حال آنکه وظیفه‌ی پدر و مادر بسیار فراتر از این‌هاست. خانواده‌کانون‌پذیرایی از نسل‌های آینده است و وظیفه‌ی خانواده حضور در مسجد است، در کنار فرزندان.

به نظر اینجانب، نقش مسجد این است که اشکال‌های خود را در مرحله‌ی اول، برای تعالی اخلاق فردی و اجتماعی، رفع کند. این کار باید با گرفتن نظرخواهی کتبی از عموم حاضران در مسجد انجام شود. وقتی مسئولان مسجد انتقادپذیر باشند و اشکال‌های خود را از نظر اخلاقی و اجتماعی رفع کنند، آنگاه مسجد می‌تواند پذیرای تعداد بیشتری از افراد محله یا اجتماع باشد. اکنون، امام جماعت باید روان‌شناسی دینی و اخلاقی را بیاموزد، با مردم از کوچک تا بزرگ ارتباط برقرار کند، با دست‌دادن و احوال‌پرسی کردن مردم را جذب کند و از حضورشان در مسجد تشکر کند. البته، باید در این مورد به کودکان بیشتر اهمیت داد. باید وقتی کودکی وارد مسجد می‌شود، همه‌ی حواسمان به او باشد. این خود یکی از نقش‌های مهم مساجد است؛ یعنی ارزش‌دادن به افراد گوناگون که خود باعث تعالی اخلاق فردی و اجتماعی می‌شود.

نقش خانواده در تربیت کودک

هیچ یک از نهادهای اجتماعی نمی‌توانند نقشی را ایفا کنند که خانواده در ساختار روحی و اخلاقی انسان ایفا می‌کند. نابسامانی‌های اجتماعی در بسیاری موارد ناشی از نابسامانی‌هایی است که در خانواده‌هاست. سعادت اجتماع به‌طور کامل به وجود خانواده‌های سالم و سعادت‌مند بستگی دارد. از لحظه‌ی تولد، انسان با تربیتی شکل می‌گیرد که از پدر و مادر دریافت می‌کند و ناآگاهانه به مسیری خاص سوق داده می‌شود. اگر خانواده‌ها نقش خود را به‌درستی ایفا نکنند، نهادهای اجتماعی دیگر (مدرسه، رسانه‌های گروهی مساجد و غیره) نمی‌توانند این خلاء را پر کنند. دشواری‌ها و پیچیدگی‌های تربیت فرزند، در دوره‌ی نوجوانی، بیش از هر دوران دیگری است؛ زیرا در این دوره نوجوان با جهش فکری و عاطفی خود را از دوران کودکی جدا می‌کنند. خانواده در برخورد با نوجوان باید روشن‌بین، شکیبیا و هوشیار باشد و زود دریابد که او دیگر «کودک» نیست.

بسیاری از خانواده‌ها در روابط خود با فرزندان نوجوان مشکلاتی دارند که اگر آگاهی‌های لازم را پیدا نکنند، این مسائل عواقب ناخواسته‌ای به‌دنبال خواهد داشت. بسیاری از مشکلات اخلاقی و رفتاری نوجوانان در برخوردهای نامناسب پدران و مادران و مربیان ریشه دارد. تجربه نشان داده است بیشتر نوجوانانی که در خانواده‌ای آگاه و به‌کمک مربی‌ای شایسته بزرگ شده‌اند، زندگی سالم و موفق‌تری به‌دست آورده‌اند. این مسئله

نشان می‌دهد که نوجوانان به‌خوبی تربیت‌پذیر هستند و اگر نابسامانی‌هایی در اخلاق و رفتار برخی از آنان مشاهده می‌شود، از نبود تربیت صحیح ناشی شده است. نقش مساجد نیز این است که خانواده‌های اطراف خود را بشناسند و با آن‌ها رابطه‌ی دوستانه برقرار کنند؛ حتی اگر آن‌ها اشکال‌های فراوانی دارند، با رفتار و اخلاق خوب و اجتماعی، آن‌ها را جذب مساجد کنند.

راهکارهای پیشنهادی

۱. آموزش شهروندان

همان‌طور که در مباحث قبلی مطرح کردیم، اولین راهکار در آموزش فرد یادآوری یا تغییر نگرش است (ایجاد نگرشی جدید و دینی). برای تغییر نگرش باید موقعیت و امکانات را بشناسیم. آموزش شهروند، تغییر نگرش‌های گذشته و آشنایی وی با حقوق شهروندی شرط موفقیت جامعه است.

۲. ایجاد انگیزه

ایجاد انگیزه موجب هدایت رفتار فرد به‌سوی هدفی مطلوب می‌شود. درواقع، انگیزه موتور پیشرفت هر فردی است. مقدمه‌ی تعالی جامعه انگیزه برای زندگی سالم و ارزشی است. شناساندن ارزش‌های اصیل دینی کمک بزرگی به ایجاد انگیزه‌ی مثبت می‌کند. اگر فرد ارزش‌ها را نشناسد و با الگوهای اصیل بیگانه باشد، نمی‌تواند پیشرفت کند. در این باره، خانواده، مدرسه، رسانه‌ها و مساجد نقش مهمی دارند. رفع کمبودها و محرومیت‌ها و اصلاح شیوه‌های اجرایی غلط و بی‌نظم و عملکردهای نامناسب سبب ایجاد و تقویت انگیزه می‌شود.

۳. پرکردن اوقات فراغت

پرکردن اوقات فراغت، غنی‌سازی آن، تدوین شیوه‌نامه‌های اجرایی و تشکیل دوره‌های آموزشی درزمینه‌ی مهارت‌های زندگی می‌تواند بسیار مؤثر باشد. البته لازم به ذکر است که در این رابطه تعدادی از مساجد و مکان‌های دیگر کارهای بسیار ارزنده‌ای انجام داده‌اند، اما کافی نیست. اوقات فراغت سه ماهی تابستان، تعطیلات عید نوروز، روزهای تعطیل، ساعت‌های بیکاری و سرمایه‌ی عظیمی به نام نیروی انسانی می‌تواند ما را در این راه یاری کند.

نتیجه‌گیری

آموزش و پرورش، خانواده و مساجد در رشد ارزش‌های انسانی و آموزش مهارت‌های زندگی می‌توانند بسیار کارساز باشند. گاهی نه تنها فرزندان، بلکه والدین نیز ارزش‌ها را نمی‌شناسند و الگوهای جامعه برای آنان ناشناخته است. بنابراین، باید برای آموزش شهروندان تلاش کرد. مسجد کمک بزرگی در این باره می‌کند؛ لذا باید راهی اندیشید تا افراد، به‌ویژه کودکان و نوجوانان، را به مسجد جذب کرد. طرح‌هایی مانند کلاس‌های رایگان یا سفرهای تفریحی ابزار خوبی برای جذب آنان است. فرد در خانواده متولد می‌شود و خانواده بر شکل‌گیری شخصیت فرد، در مقام عضوی از اجتماع و موجودی متفکر و دارای اراده و شناخت، تأثیر زیادی دارد. خانواده نخستین محیط اجتماعی‌ای است که فرد در آن قرار می‌گیرد. نوع رفتار والدین و اطرافیان اعمال، احساسات و شخصیت کودک را می‌سازد. باید چاره‌ای اندیشید و خانواده را با مسجد پیوند داد؛ زیرا هم سبب رشد خانواده می‌شود و هم سبب رونق مسجد و تعالی جامعه.

منابع

- ۱- اختداری، علی محمد، سازمان و مدیریت تألیف.
- ۲- شریعتمداری، علی، تعلیم و تربیت اسلامی.
- ۳- قائمی، علی، زمینه‌ی تربیت.
- ۴- هفته‌نامه‌ی نگاه.
- ۵- طوبی کرم، فلسفه‌ی خلقت.

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد